



قصہ گوئی در فیلم مستند

شیلا کورن بـرنارد

ترجمہ: حمیدرضا احمدی لاری

چاپ سوم

۱۷پیش‌گفتار
۱۸تعریف مستند
۲۰مستند به عنوان زیرمجموعه فیلم و ویدیوی غیرداستانی
۲۱ذهنیت
۲۲چه کسی قصه مستند می‌خواهد؟
۲۳قصه‌گوی مستند کیست؟
۲۴قصه‌گویی، نه نگارش
۲۵درباره کتاب
۲۶خواننده هدف
۲۷قالب و روش شناسی کتاب
۲۸ملاحظات

۱۵۰ مطالعه موردی: چاقم کن

۱۵۰ پرده اول / سکانس عنوان بندی

۱۵۴ پرده دوم

۱۶۱ پرده سوم

۱۶۲ گره‌گشایی

۱۶۳ مؤخره

قسمت دوم: ایده‌هایی برای پیش‌نویس فیلمنامه

۱۶۷ ۸. پژوهش

۱۶۸ سؤال طرح کنید. به عمق بیشتری بروید.

۱۶۹ خودتان تحقیق کنید

۱۷۰ از طرح سؤالات بنیانی نترسید

۱۷۰ زمان مناسب برای پژوهش

۱۷۲ مشاور یا پژوهشگر

۱۷۳ ملاقات با پژوهشگر

۱۷۴ کنفرانس‌های حرفه‌ای

۱۷۴ تحقیق تلفنی

۱۷۵ حقیقت‌آزمایی یا ارزیابی صحت اطلاعات

۱۷۶ بازگویی جزئیات

۱۷۷ آمار و دیگر اشکال اطلاعاتی

۱۷۸ گاه‌شماری

۱۸۰ پژوهش در متون مکتوب و اینترنت

۱۸۱ منظم و سازمان‌یافته عمل کنید

۱۰۲ نقطه شروع

۱۰۴ پیش‌قصه

۱۰۵ ساختار سه‌پرده‌ای

۱۰۷ ساختار چندلایه

۱۰۹ ساختار سه‌پرده‌ای چه چیزی نیست

۱۰۹ ساختار سه‌پرده‌ای در پنج، یک یا دو پرده

۱۱۰ اعمال ساختار فیلم

۱۱۳ ۶. دستکاری در زمان

۱۱۴ بیان یک داستان با نظم زمانی، اما به شکلی نامنظم

۱۲۱ در هم شکستن و کش دادن زمان

۱۲۲ دنبال کردن موضوع در طول زمان

۱۲۳ خرد کردن مصاحبه

۱۳۱ ۷. مطالعات موردی

۱۳۲ مطالعه موردی: دختری از دانانگ

۱۳۳ پرده اول / سکانس عنوان بندی

۱۳۵ پرده دوم

۱۳۸ پرده سوم

۱۳۸ گره‌گشایی

۱۳۹ مطالعه موردی: راگی معلولان

۱۳۹ پرده اول / سکانس عنوان بندی

۱۴۴ پرده دوم

۱۴۸ پرده سوم

۱۴۹ مؤخره

۳۱۳	۱۶. استیون آشرو جین جوردن
۳۳۱	۱۷. ویکتوریا بروس و کارین هیس
۳۴۷	۱۸. ریک برنز
۳۶۳	۱۹. جون الس
۳۸۱	۲۰. نیکولاس فریزر
۳۹۷	۲۱. سوزان فرومک
۴۱۳	۲۲. سام پولارد
۴۲۹	۲۳. کن رایین
۴۴۹	۲۴. پرساری
۴۵۹	۲۵. اونیه کاجی وامبو

ضمائم

۴۷۵	منابع و یادداشت‌ها
۴۸۳	اعلام
۵۰۳	نمایه

۲۸۸	نوشتن بر اساس تصویر
۲۹۲	نگارش گفتار متن مناسب برای خواندن
۲۹۴	استفاده از پیش‌بینی در گفتار متن
۲۹۵	مراقب خلاف گویی‌های تاریخی باشید
۲۹۷	تعداد ایده‌های هر پاراگراف گفتار متن را محدود بگیرید
۲۹۸	اطلاعات مهم را منعکس کنید
	متوجه تفاوت نقش‌هایی که گفتار متن و صدای همراه با تصویر بازی می‌کنند
۲۹۸	باشید
۲۹۹	با احتیاط از کلام استفاده کنید
۳۰۰	کاربرد آمار
۳۰۱	اطلاعات را در متن روایت به کار بگیرید
۳۰۲	حرکت‌تان را ادامه دهید
۳۰۲	اسامی را حذف نکنید
۳۰۳	فهرست‌ها را بر اساس ترتیبی (مثلاً روبه افزایش) مرتب کنید
۳۰۴	از فعل معلوم استفاده کنید
۳۰۴	در تفکیک امور مشابه همدیگر کمک کنید
۳۰۴	عملیات ریاضی لازم را خودتان انجام دهید
۳۰۵	شلوغ نکنید
۳۰۵	برای قطع کردن گفتار متن موقع شناس باشید
۳۰۷	۱۵. فهرست باید‌های قصه‌گویی

قسمت چهارم: گفت‌وگوهایی درباره داستان

۳۱۱	مقدمه
-----	-------

۲. اصول قصه

قصه، روایت یا بیان رویداد یا سلسله رویدادهایی است که پرداخت ماهرانه آن را برای مخاطب، چه خواننده یا شنونده یا تماشاگر، جذاب کرده باشد. قصه در اساس دارای آغاز، میان و پایان است. قصه دارای شخصیت‌های جذاب، تنش فزاینده و تعارضی است که به نوعی گره‌گشایی می‌رسد. قصه عقل و عاطفه تماشاگر را با خود درگیر می‌کند و او را مشتاق می‌کند که بدانند بعد چه خواهد شد.

اصول قصه‌گویی البته جدید نیست. اولین بار ارسطو، فیلسوف یونانی، در ۳۵۰ سال پیش از میلاد مسیح برای چیزی که خودش «پیرنگ خوش ساختار»^۱ می‌نامید اصولی ایجاد کرد و از آن زمان تا کنون، این اصول همچنان در قصه‌گویی – چه در اجرای صحنه‌ای باشد، چه در صفحه‌های کتاب و چه بر پرده سینما یا صفحه تلویزیون – به کار می‌روند. مخاطبان قصه ظاهرأ درباره طرز عمل آن پیش‌فرض‌های محکمی دارند، اما بر آوردن، کنار گذاشتن یا به چالش کشیدن این پیش‌فرض‌ها برای مستندساز هم همان قدر اهمیت دارد که برای هنرمند عرصه‌های داستانی تصور می‌شود.

از این واقعیت گیج نشوید که جشنواره‌ها و مدرسه‌های سینمایی اصطلاح روایت^۲ را در توصیف آثار داستانی به کار می‌برند. بیشتر فیلم‌های مستند نیز نوعی قصه‌اند؛ یعنی به عبارت ساده‌تر، قصه‌ای نقل می‌کنند. (این که این قصه‌ها داستان‌سرایی هم می‌کنند یا

نه، مقوله دیگری است.) این که در فیلم‌ها این قصه‌ها چطور بیان می‌شوند یا چه قصه‌هایی هستند، فیلم‌ها را به دسته‌های مختلفی - از سینماوریت تا فیلم نوآر - تقسیم می‌کند.

برخی از اصطلاحات قصه‌گویی عبارت‌اند از:

تشریح یا اطلاعات اولیه

منظور از تشریح^۲، اطلاعاتی است که مخاطب را به دنیای داستان وارد می‌کند؛ اطلاعاتی دربارهٔ چه چیز، کجا، کی و چرا. این اطلاعات، ابزاری به مخاطب می‌بخشد که برای دنبال کردن داستانی که روایت می‌شود لازم است، و مهم‌تر از آن، می‌تواند مخاطب را به درون داستان بکشانند. البته معنی این حرف این نیست که همه چیز باید برای مخاطب فاش شود، بلکه باید اطلاعات لازم در لحظه‌ای که مخاطب نیاز دارد برایش روشن شود. گاهی گفته‌شده که باید از تشریح پرهیز شود، اما تشریح در فهم مخاطب از فیلم اهمیت دارد و در نحوهٔ اجرای فیلم، به‌ویژه در شروع، نباید بیش از حد مبهم باقی بماند.

تشریح در تناثر ممکن است در ابتدای پردهٔ اول توسط بانوی خدمتکاری بیان شود که با عجله از این سو به آن سوی صحنه می‌رود و خطاب به یک آدم نامعلوم، شاید به پیشخدمتی در همان نزدیکی، می‌گوید «دل‌م برای بانو می‌سوزد. ارباب با آن برادر تنه‌لش و بی‌عارش به شکار رفته، بدون این که به بانو خبر دهد پدرش - مالک پمبروک شایر - می‌خواهد تا دو هفته دیگر این خانه و همهٔ متعلقاتش را بفروشد.» در سینمای مستند، برنامه‌هایی که همهٔ اطلاعات را - که نه آمادگی شنیدنش را دارید، نه در آن لحظه نیاز به دانستن‌شان احساس می‌کنید - در همان ابتدای فیلم به شما عرضه می‌کنند، از همین مقوله‌اند. در این گونه فیلم‌ها احتمالاً زمانی که به اطلاعات نیاز پیدا کنید نمی‌توانید آن‌ها را به یاد بیاورید. این نوع تراکم داستان در ابتدای فیلم، زمانی رخ می‌دهد که کارگردان همهٔ گذشتهٔ داستان را - همهٔ ماجراهایی که منجر به رسیدن داستان به نقطهٔ شروع ماجرای فیلم می‌شود - در همان ابتدای فیلم بیان کند.

تشریح را می‌توان با روش‌های مختلف در تاروپود فیلم تنید. گاهی اطلاعات اولیه زمانی

به تماشاگر عرضه می‌شود که مثلاً یکی از شخصیت‌های فیلم می‌گوید «اگه چک حقوقت روبه وگاس نداده بودی، ما تو این گند و کثافت نبودیم.» گاهی وقت‌ها این اطلاعات، مثل اطلاعات اولیهٔ فیلم خط‌آبی نازک^۳، در متن عنوان بندی یا دیگر اشکال چاپی ارائه می‌شود. یک روایتگر خوب، اطلاعات اولیه را ماهرانه در متن داستان می‌بافد و اطلاعاتی به تماشاگر می‌دهد که در لحظه به آن نیاز دارد. (صدای خارج از تصویری^۴ که از متن یک مصاحبه استخراج شده، در مواردی همین کار را می‌کند.) اطلاعات اولیه را می‌توان از طریق تصویر نیز به تماشاگر داد. نمای معرف از یک محل یا یک تابلو [تصویر پلیسی که حکم تخلیهٔ خانه‌ای را با میخ بر دیوار آن می‌کوبد (من و راجر^۵) و لحظات شروع یک حراج (Troublesome Creek)] نمونه‌هایی از این کار بودند. اسباب‌بازی‌هایی که در یک زمین چمن پراکنده شده‌اند به ما می‌گویند «بچه‌ها همین دور و برند.» پرچم‌های سیاه و یک تاج گل عزاداری مقابل در ورودی یک ایستگاه آتش‌نشانی می‌گویند «فاجعه رخ داده است.» نمای دور از یک زن شیک‌پوش در یک دفتر کار بزرگ در طبقات بالایی یک برج بلند نشان می‌دهد «این زن مقتدر و نیرومند است.» مردی که در مترو روزنامهٔ بوستون گلاب^۶ می‌خواند، یا تصویر تابلوی یک بزرگراه، یا چشم‌انداز یک مکان معروف (مثل برج ایفل) محل رویداد را نشان می‌دهند. همچنین فیلم‌برداری تک‌قاب [Time-lapse]، نوشتارهای عنوان بندی و انیمیشن - گاهی همراه با طنز و موارد غیرمنتظره (مثل تصاویر کارتون‌ی در فیلم چاقم کن) - از اشکالی هستند که برای بیان اطلاعات اولیه به کار می‌روند.

ستون فقرات یا زنجیره حوادث روایت

فیلم در زمان جلو می‌رود و تماشاگران را نیز با خود می‌برد. هدف شما باید این باشد که هم قصه را جلو ببرید و هم اطلاعات ضروری اولیه را به او بدهید. به عبارت دیگر، باید تماشاگر را نسبت به اطلاعاتی که به او می‌دهید کنجکاو نگه دارید. اگر اطلاعات اولیه شامل پیشینه باشد - مثلاً این که چطور به جایی رسیده‌ایم که اکنون هستیم - شاید بهتر باشد (حتی اگر روایت در گذشته اتفاق افتاده باشد) داستان را کمی از زمان حال جلو ببرید و بعد به